

در آمدی بر ویراستاری در تاریخ شفاهی

دکتر مرتضی نورانی*
nour4051@yahoo.com

چکیده

این مقاله، سعی در روشن نمایی جنبه‌های مختلف ویراستاری در تاریخ شفاهی دارد. این، بدان دلیل است که پیوسته تولیداتی در زمینه تاریخ شفاهی شکل می‌گیرد که تحت این نام عمومی دارای سطح، ارزش و اشکال مختلفی است. به نظر می‌رسد این تنوع، بیش از همه محصول نگاه ویرایشی است. از این رو، در این نوشته ابتدا به چشم اندازهای مختلف کاربریهای تاریخ شفاهی پرداخته شده است. آنگاه ویرایش در سه مرحله پیش‌مصاحبه، مصاحبه و استخراج، مورد توجه قرار گرفته است. چرا که این شیوه باز نمایی گذشته، از همان ابتدا تحت اندیشه ویرایشی شکل می‌گیرد. در بخش آخر به آسیب شناسی ویراستاری در راستای شناخت سازوکارهای جانبداری در تاریخ شفاهی پرداخته شده است. در مجموع، در اینجا هدف آن است که پایه و زمینه‌های نظری و عملی جهت ایجاد مباحث بیشتر در زمینه ویرایش تاریخ شفاهی فراهم گردد. در این راستا، در خاتمه ده مورد پرسش طراحی شده است تا اندیشمندان به یافتن راهکارهای بیشتر و بهتر در این زمینه توجه کنند.

کلید واژه‌ها:

تاریخ شفاهی، آسیب شناسی ویرایش، روشهای پژوهش، روشهای مصاحبه، ایران.

* * *

* دکترای تاریخ ایران و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

مقدمه

هدایت و راهبرد تاریخ شفاهی از زمان آغاز حیات دوباره و ابزارمندی جدید آن پس از دهه پنجاه قرن بیستم، به سمت روشن سازی زوایای تاریک و ساکت گذشته افشار مختلف اجتماعی است. بازنمایی کردن گذشته جامعه از طریق تجارب اشخاص مطلع، در حقیقت ساز و کاری نو جهت آزاد سازی حیطه های مختلف تاریخنگاری از چنبره قدرت بود. از جایگاههای اساسی روش شناسی تاریخ، در واقع ارزیابی سازو کارهای ورودی آگاهیها از گذشته به صحنه تاریخ است. یکی از این ورودیهای بحث برانگیز، مواد شنیداری یا شفاهی است. قراین و شواهد شفاهی، از مجرای مصاحبه به دایره ثبت خبر نزدیک می شود. از این روست که شفاهی کاران در درجه نخست به ارزیابی چگونگی آن پرداخته و راهکارهایی برای منطقی کردن سازوکارهای تولید منبع و ثبت شواهد در مراحل نخستین ارائه می کنند. اما پس از آن در روند تبدیل خبر شفاهی به تاریخ، تأملاتی وجود دارد که از جنس دغدغه هائی است که در راستای میزان اعتبار و معتبرسازی فرایند اخبار شفاهی است. قدر مسلم اینکه موضوع این مبحث یعنی «ویراستاری»، از زوایای مختلف می تواند کم و بیش به چنین ضرورت و نیازی پاسخ دهد. چرا که از یک سو تنوع محصولات تاریخی در قالب تاریخ شفاهی، نشان از تأثیر آشکار این شیوه کسب خبر در بازسازی گذشته دارد، اما دچار تقلیل و تکثیرهائی گشته که نسبت به میزان دقت و چگونگی بهره گیریها از آن تردید هائی وجود دارد. از سوی دیگر تنوع و میزان کاربری اخبار شفاهی در نوشته های تاریخی و حتی جامعه شناسی، می تواند گویای ضرورتی باشد که در همه حال باید بیش تر به زوایای بحث برانگیز

موضوع پرداخت و جهت بسط بهتر و معتبرتر کاربری شفاهیات در تاریخنگاری معاصر، گرهگشائی و گرهنمائی کرد.

کاربریهای تاریخ شفاهی

به طور کلی، کارکردها و محصولات تاریخ شفاهی به معنی عام آن، پیوسته رو به گسترش بوده است. این، از آن رو است که حجم و اندازه تقاضاها و ضرورتهای موجود در دوره اخیر، اسباب این تنوع را فراهم کرده است. از سوی دیگر، انتظارات از دانش تاریخ، رفته رفته این دانش به حاشیه رانده شده را به گود نزدیک کرده و زمینه سازی ایفاگری نقشهای اساسی در حیات توسعه فرهنگی و اجتماعی برای این دانش کهن ایجاد شده است. در نتیجه جایابی اخبار شنیداری در کنار اسناد مکتوب، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. در همین راستا، مورخان شفاهی در «خود تعریفی» در این صحنه بسیار فعال بوده اند. میداننداری فعال آنها در عرصه های مختلف، باعث هموارسازی راه حضور متکثر آنها در حیات فرهنگ و اندیشه شد. چنانکه با نگاهی به دامنه تنوع بهره گیری از تاریخ شفاهی، می توان به جایگاه آن پی برد.^۱ بدین منظور، در یک نگاه کلی، فهرست زیر می تواند به نوع و جهات مختلف کاربری محصولات شفاهی اشاره داشته باشد:

۱. تولید کتابهای تاریخی (مفرد و مرکب)؛
۲. ایجاد آرشیو: صوتی، تصویری (نوار کاست و CD)؛
۳. فیلم در قالبهای مختلف: مستندسازی؛
۴. موزه ها و نمایشگاههای هنری؛
۵. برنامه های رادیویی؛
۶. مواد آموزشی برای دانش آموزان و معلمان؛
۷. کتاب و ویدیوهای آموزشی همگانی؛
۸. پایگاههای اینترنتی؛

۹. مشارکت اجتماعی طبقات ساکت (فروتز)؛

۱۰. حفظ میراث فرهنگی؛

۱۱. آموزشی در باب قوانین و اسناد حقوقی؛

۱۲. آرشیو بازنشستگان: در اداره‌های ذریبط؛

۱۳. تاریخ خاندانی؛

۱۴. گذشته درمانی: سالخورده‌گان و خانه سالمندان

(جائی که حدیث و روایت حال، خاتمه می‌یابد).

با توجه به عناوین ذکر شده در بالا، می‌توان

تصور کرد که تا چه میزان دایره اسناد شفاهی می‌تواند

در بردارنده گستره وسیعی از اقشار مختلف اجتماع

باشد. ضمن آنکه این نیز خود گویای آن است که

چنین دایره‌ای با عمق حدود یک یا دو نسل، دارای

دامنه میدان وسیع و هم عرض است. یعنی کاربری

وسیع گذشته نمائی تاریخ شفاهی در عرصه‌های

مختلف تاریخ، می‌تواند هر بهانه‌ای را از مورخ

معاصر در خودداری از بازنمائی گذشته

(Recovering the past) می‌گیرد. بنابراین

مهندسی گسترده تاریخ شفاهی، می‌تواند نمایشی از

رسالت مورخ امروز باشد.

بی شک سیطره گذشته بر زمان حال و آینده،

نشان از کارکرد وسیع تاریخ است. امروزه جهت

روشن بینی و تصویر و ترسیم صحیح از آینده نمائی

در زمان حال، این مورخان هستند که به یاری جوامع

در برنامه‌های توسعه و انگیزش‌های اجتماعی -

اقتصادی می‌روند. در این راستا، چهره نگاری گذشته

نزدیک به یاری شفاهی کاران، همان چیزی است که

به عنوان مهندسی خودآگاهی اجتماعی و شرکت

فعال مورخان در خط رسالت اجتماعی و تاریخی

مطرح است.^۲

از منظر دیگر، محصورسازی مورخان پیوسته

برگ برنده‌ای در دست دیگران بوده تا آنها را در

دالانهای پریچ و خم اسناد و شواهد قدیم بند کرده و

پیوسته انتظارات کاذبی دریافتن و علم کردن

حدسیات ایجاد کنند. خروج از دایره سنتی

تاریخنگاری، در واقع موفقیتی بود که در جهان

تاریخنگاری از اوایل قرن بیستم رخ داد و مورخان

دست به پوسته شکنی زدند و تاریخ را از دیواره‌های

ضخیم دایره قدرت خارج کردند. اما پیوسته این ظن

وجود داشت که دایره‌ای بزرگ‌تر، امر را بر آنان

مشتبّه سازد. در این راستا، باید گفت که نحله‌های

مختلف تاریخنگاری که به عنوان روشهای مختلف

نگاه به گذشته ظهور کردند، رفته رفته در صحنه

اندیشه و معرفت‌شناسی جایگاه مؤثری یافتند.^۳ در

این میدان، تاریخ شفاهی از نیمه دوم قرن بیستم و

بویژه دهه آخر همین قرن توانست زمینه بسیار

مناسی برای تسهیل «گفتگوی بی‌انتهای حال با

گذشته» فراهم سازد.^۴

در عین حال، چنین راهکار مؤثری در ایجاد

رصدهانه‌ای وسیع برای گذشته باید آسیب‌شناسی

شود. این فقره از تاریخنگاری از همان ابتدا در مظان

اتهام و اشکال و مشکل قرار گرفت که در همه وقت

پاسخهای عالمانه‌ای جهت ادامه راه اعلام شد؛ اما این

پاسخها جواب نهائی نبودند! زیرا پهنه و گستردگی

انتظارات از بازنمائی گذشته از یک سو و از سوی

دیگر، تنوع کاربری اطلاعات به دست آمده از این

ساز و کار در گذشته نمائی، نشان می‌دهد که این

نحله، پیوسته باید آسیب‌شناسی شود و راه آینده را

کم و بیش از تردیها و ابهامات بری سازد. از این رو

می‌توان گفت، بزرگ‌ترین مؤلفه آسیب‌شناسی و

آسیب نمائی این شق از تاریخنگاری - که نیاز به

تمرکز دائمی و مهارت ویژه دارد - همانا ویراستاری

می‌باشد. صحنه بسیار متفاوت کاربندی آگاهیهای

تولید شده با ساز و کارهای شناخته شده تاریخ شفاهی، نشان می‌دهد که میزان و کاربری و ساز و کارهای ویراستاری نیز متفاوت است. چنانکه مطالب بسیاری تحت عنوان نام عمومی^۵ «تاریخ شفاهی» ثبت و ضبط می‌شود که گاه متنافر هستند. در بهترین شرایط موادی که در موارد زیادی ویراستاری شده‌اند و به شکل و قالب زایدالوصفی جانبدارانه‌اند، یا در راستای «حمایت عناصر مردمی» و خواسته‌هایی بر مبنای موضوعات مردمی می‌چرخند که این در حالی است که این نوع تولیدات، کم و بیش برخلاف هسته سخت تاریخ شفاهی است که حول محور «کشف عناصر مردمی» دور می‌زند.^۶ چنانکه برای مثال در بسیاری موارد پاسخها در دایره پرسشهای مصاحبه نهفته شده است. به عبارت دیگر، از مصاحبه شونده خواسته می‌شود که چگونه و حتی چطور جواب بدهد. در این صورت، مواد شفاهی خود به خود ویرایش شده به دنیا می‌آید. با توجه به این نکته و حساسیت ویراستاری، باید منظور و اهداف ویرایش را به طور عموم و در تاریخ شفاهی به طور اخص مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

ویراستاری، نامی عمومی است که به مجموعه‌ای از روشها و فنونی اطلاق می‌شود که به حک و اصلاح متن چه در سطح و چه در عمق و محتوا می‌پردازد و متن را برای ایجاد ارتباط بهتر با خواننده، آماده می‌سازد. بنابراین ویرایش، شامل حیطه وسیعی است که می‌تواند از پرداختن به چگونگی دستور خط، علامت‌گذاری، جمله و بند بند کردن آغاز و به ترکیب بندی جمله‌ها بینجامد. از سوی دیگر، در عمق مطلب از جهت علمی (محتوائی)، ویرایش درصدد یافتن حلقه‌های مفقوده در ربط و ارتباط مطلب در مفهوم سازی روال منطقی حاکم بر مواد

زیربنائی متن است. به بیان دیگر، می‌توان تصور کرد که ویرایش، کاربرست فنونی است که در محتوای متن دگرگونی‌هایی به منظور فهم آسان مخاطبان انجام می‌دهد. در عین حال باید توجه داشت که ویرایش، باید حیطه و جغرافیای ادبی و علمی مؤلف را در حفظ اصالت متن فراموش و همه چیز را دستخوش تغییر نکند؛ چراکه در این صورت بیش‌تر مولد متن ویراستار خواهد بود تا نویسنده آن.

با توجه به چشم انداز بالا در باره ویرایش، در ابتدا باید گفت، بسیاری معتقدند که تاریخ شفاهی در هر مرحله‌ای خود زاده انتخاب، دگرگونی و نهایتاً ویرایش است. در حالی که اسناد مکتوب - که در زمینه‌های مختلف به وجود می‌آید - پیوسته ثابت و ماندگارند. همچنین، بسیاری از آنها مانند نامه‌های اداری به منظور تاریخنگاری تولید نمی‌شوند و عنصر انتخاب در آنها کم تأثیر است. در حالی که هر نوع ضبطی در زمینه طرحهای تاریخ شفاهی، خود گزینش شده است و نمی‌تواند اتفاقی باشد. به بیان دیگر، مصاحبه‌ها همه به منظور تاریخنگاری تولید می‌شوند.

اما این موضوع که آیا اهداف تولید با گرایش تاریخنگاری، می‌تواند یکسره دربردارنده زمینه‌های منفی باشد، پیوسته مورد تأمل بوده است. چرا که این قبیل تولیدات، همیشه در مظان تحریف گذشته هستند. در قالب حداقل تردید باید بیان داشت که تنها جنبه مورد پسند و یا حداکثر ضرورت زمانی حال، مورخ (مصاحبه کننده) را برای کشف گذشته راهی مصاحبه می‌کند. نتیجه هر چند بسیار عادلانه و علمی باشد، همسو با خواستی معطوف به هدف معین شکل گرفته و شاید یکبار مصرف بوده و در زمانی نه چندان دور، تاریخ مصرف آن منقضی می‌شود. چنین نگرشی، در واقع نقد برون تاریخ شفاهی است و به

ماهیت این شکل از تولید خبر باز می‌گردد. اما خارج از این منظر در قالب نگاه درونی و پذیرش موقعیت تاریخ شفاهی، در اولین پرسش در باب ویراستاری در تاریخ شفاهی، به چگونگی انتقال ضبط (اعم از شنیداری یا دیداری) به ثبت باز می‌گردد. بنابراین، در ابتدا این سؤال اساسی مطرح می‌شود که: آیا اساساً انتقال مصاحبه به نوشته ضروری است؟^۶

بی‌شک از طلیعه کار این گروه از مورخان، پیچیدگی تبدیل صدا به نسخه نوشته وجود داشته است. در همین راستا باید گفت، هر چند ضبط روشن و شفاف کار ساز می‌باشد اما دلمشغولی آن است که به رغم کیفیت خوب ضبط، در فهم مضامین مصاحبه برای انتقال به کاغذ، مشکلاتی وجود داشته است؛ از جمله می‌توان گفت که سخن سالخوردگان و نحوه بیان آنها، همچنین مسئله لهجه‌ها بویژه از نوع محلی آن، از اسباب اشکال بر سر راه کارگزاران تبدیل بوده است. افزون بر این آوای نامفهوم، تپق زدنهای مفهومی و پاره‌ای خطاهای انطباق زمانی و مکانی در روند پرداختن مصاحبه شونده به گذشته، از جمله دیگر مشکلات است. در این صورت، نتیجه هر مصاحبه‌ای باید برای تصحیح و ویرایش در حیات مصاحبه شونده استخراج شود. این کار، البته منافع گوناگونی در بر دارد که از آن جمله، تصحیح متن همراه با مولدان آن (مصاحبه شونده و مصاحبه کننده) است.

در عین حال، این ثابت شده که برای محققان تاریخ، ابزار خواندن (چشم) پیوسته نسبت به ابزار شنیدن (گوش) ارجحیت داشته است. نوشته، امکان تکثیر دارد؛ همچنین نوشته را می‌توان براحتی مورد مذاقه قرار داد. کاری که هر محقق در نگاه و بررسی اسناد، بارها و بارها انجام می‌دهد. پیوسته تقاضای علاقه‌مندان به موضوع مصاحبه، برای زمینه‌های

مصرف آن به نسخه استخراجی است تا نوار صوتی آن برای شنیدن، بنابراین، از جهات مختلف می‌توان تصور کرد که استخراج شفاهیات برای تکثیر و توزیع از سوئی، و از سوی دیگر تسهیل دسترسی به منبع، از ضروریات کار شفاهی کاران است.^۷

در این زمینه باید اذعان داشت که برخی پروژه‌های تحقیقاتی را شاید نتوان استخراج و در قالب اسناد مکتوب یا مرجع قابل دسترسی تبدیل کرد. در این حال، توصیه می‌شود که باید چکیده، کلید واژه‌ها و نمایه‌های مشروحی را تنظیم کرد. همچنین، شاید خلاصه مصاحبه و شرح حالی از مصاحبه شونده، بتواند محققان را در باب تحقیقات کمک کند. در این زمینه راهکارهای متفاوتی توصیه می‌شود که به فرصت خود احاله می‌گردد.

در اینجا، بیش از هر چیز نکات زیر می‌تواند بیان‌کننده پاره‌ای از جوانب جهت زمینه‌سازی فهم مناسب ویراستاری در تاریخنگاری شفاهی باشد:

۱. در درجه نخست، استخراج و پیاده کردن نوارها در قالب نوشتار، به معنی نوعی ویراستاری است. در همین راستا و در این سطح باید ابتدا فهرستی از واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تاریخی به کار رفته در مصاحبه، به منزله راهکار آسانسازی بهره‌برداری از آن در اختیار خواننده قرار داد. این کار، از سوئی اسباب خطا را در فهم متن تبدیل شده کم‌رنگ‌تر می‌کند و از سوی دیگر، زمان کم‌تری برای این مرحله هدر می‌رود. افزون بر این، اعلام نمایه مربوط به موضوع، مشخصات مصاحبه شونده، زمان و مکان آن، امکان انتشار و دسترسی یافتن به اطلاعات و محتوای مصاحبه را فراهم می‌کند.

۲. نکته دارای اهمیت دیگر، این است که، باید توجه داشت تاریخ شفاهی به ضبط مصاحبه گفته

می‌شود یا به ثبت آن؟ ضبط و ثبت، هر دو می‌تواند نوعی مستند سازی باشد. اما در نزد آرشیویست، البته ضبط اصیل‌تر و دقیق‌تر است. به بیان دیگر، ضبط، حفظ گفته‌هاست در حالی که ثبت، معرف عزم بیان معنی و مفاهیم گفته‌هاست. حتی بهترین نوع نگارش در این زمینه، تنها می‌تواند انتقال مفسرانه و نمایشی مواد ضبط شده باشد.

۳. برخی معتقدند که آن گروه از قواعد و دستورالعمل‌های گفتاری، بویژه آنهایی که تحت تأثیر علوم رفتاری است، قابل استخراج نیستند. آنها بر این مطلب تأکید دارند که تبدیل ضبط به ثبت، و محتوای الفاظ خیلی فراتر از واقعیت رفتن است و نمی‌تواند بارها را به طور کامل انتقال دهد. عناصر شفاهی زیر، هیچگاه استخراج شدنی نیست؛ بنابراین با توجه به این مسائل، باید ویراستاری را در حد و اندازه خود مورد توجه قرار داد.^۹

Pitch	- چرب زبانی کردن
Stress	- تأکید بر آواها
Volume	- آهنگ
Rate of speech	- درجه سخن
Facial gestures	- حرکات چهره
Nonverbal responses	- پاسخهای غیرگفتاری (سرفه، اخم و جابجاشدن)
Humor visually behavioral	- رفتار مشهود لوس (خودلوس کردن)

خارج از همه این تردیدها، مورخان با مجموعه‌ای از ساز و کارها و نتایج استخراجی از این روش تاریخنگاری روبرو هستند که رفته رفته توانسته بر حیطه‌های دیگر تاریخنگاری مؤثر باشد. آنچه که مطرح است، این است که در این زمینه چه

مجموعه‌ای از روشها به کار گرفته شود تا هر چه بیش‌تر بتوان به فرآورده‌های این فقره از تاریخنگاری اعتماد کرد. زیرا زمانی که نتیجه مصاحبه تخصصی بدون شائبه‌هایی از قبیل جانبداری تولید شود، خودبه خود می‌تواند مورد استفاده طیف گسترده‌ای از محققان دیگر به طور همزمان و یا در آینده قرار گیرد. از این روست که باید نسبت به همه مراحل تولید این گونه اسناد (شنیداری یا گفتاری) دقت کرد. در این راستا سه مرحله اساسی و تفکیک‌پذیر در روند تولید اطلاعات شفاهی وجود دارد که دقت در هر مرحله، می‌تواند نتیجه کار را مطمئن‌تر سازد.

مرحله نخست: پیش مصاحبه

با توجه به جدول صفحه بعد، مرحله اول، در واقع مرحله پیش مصاحبه است. شکل‌گیری پروژه تحقیق، به طور اساسی حول محورهای متعددی است. بی شک موضوع‌یابی و طرح چشم اندازه‌های آینده تحقیق در قالب پیشنهادی، کاری است که برای هر پژوهشی باید صورت گیرد. در این راستا، چهار قسمت می‌توان تصور کرد:

۱- موضوع یابی و طرح پیشنهادی؛

از آنجا که دامنه تحقیقات تاریخی در دوره معاصر پیوسته به زمان حال نزدیک می‌شود، بنابراین تصور این است که حداقل عمر یک یا دو نسل می‌تواند به طور روشن در بردارنده اطلاعات مفید و مؤثر باشد. پیش از این یعنی دوره‌ای فراتر از حدود هفتاد سال، تنها می‌تواند حاوی اطلاعات با واسطه باشد. از سوی دیگر، تأکید بر این است که پرسشهای تاریخی با همان موضوعهای مربوط به گذشته، در مجرای اسناد کتبی ظهور می‌یابند و از این جهت، موضوعات شفاهی مستقل نیستند و در حاشیه اسناد کتبی به جستجوی کم و کاستهای آن به مواد شفاهی کشیده می‌شوند. بنابراین

مراحل ویراستاری در تاریخ شفاهی

مرحله سوم	مرحله دوم	مرحله اول
استخراج	مصاحبه	پیش مصاحبه
تبدیل ضبط (شنیداری، دیداری) به ثبت (واژه‌های نوشتاری) الف: به منظور تولید یا تبدیل به سند ب: به منظور تولید یا تبدیل به تاریخ	۱. انجام مصاحبه ۲. بسته یا باز با توجه به پرسشهای تازه ۳. افزودن بر ضبط + یادداشت برداری ۴. جغرافیای مصاحبه شونده الف: ثبت رفتار و رابطه ب: آوانگاری و شخصیت صوتی	۱. موضوع یابی و طرح پیشنهادی ۲. اشخاص یابی به عنوان متن تحقیق ۳. تنظیم پرسشنامه و سؤالهای مناسب (جغرافیای مصاحبه) ۴. ساز و کارهای مصاحبه، مکان و زمان و وسایل

مصاحبه کننده، و طرح پژوهشی او، نهایتاً سازمان هدایت کننده پروژه باشد. در این صورت باید زمینه تولید پرسشهای اتفاقی از سوی مصاحبه شونده فراهم باشد. چنین وضعیتی در مصاحبه، می تواند هم به سلامت نتیجه و گستره منطقی آن کمک کند و هم به نوعی فرو بستگی راه برون داد اطلاعات را باز کند. اطلاعاتی که ممکن است اکنون مورد توجه پروژه نباشد ولی برای تحقیقات پیش تر در آینده سودمند خواهد بود. سازماندهی پیش زمینه های مصاحبه جهت استحکام مواد تولید شده، خود در دایره ویراستاری پیش مصاحبه می گنجد. چرا که هدایت منطقی روند تحقیقات هر مرحله، پایه ریزی استنتاجات بهینه آینده تحقیق است. ویرایش در این مرحله، در واقع نوع نگرش برون متنی است که نقش اساسی در بهینه سازی سازماندهی تحقیق، به منظور دستیابی به اطلاعات قابل اعتماد دارد. با تمهیدات پیشگفته، ورود به مرحله دوم یعنی مصاحبه، می تواند تا حدودی کار را سهل تر سازد. به بیان دیگر، توجه به اشکال کم و بیش مطمئن جهت مرحله عملیاتی یعنی تولید، می تواند هدایتگر مواضع کم و بیش پیش بینی شده ای در راستای هدایت پروژه تحقیقاتی باشد.

آنچه متصور است، این است که موضوع یابی در بازسازی گذشته از رهگذر شفاهیات، نباید صرفاً منوط به بازنمایی گذشته از این مجرا باشد.^{۱۰}

۲. متن یابی

گام دیگر پس از این مرحله، یافتن متن یا همان اشخاص مصاحبه شونده است. شاخصه این افراد، ترجیحاً آن است که خود دستی در واقعه داشته اند. در این میان، ممکن است افراد متعددی دارای این خصوصیات باشند که با فهرست کردن آنها و آنگاه گزینش بهترینها بر مبنای حافظه، سن و نوع ارتباط با واقعه، می توان دست به درجه بندی و فهرست پردازی آنها زد. در اینجا باید تلفیقی منطقی میان موضع و موضوع برای رصد گذشته صورت داد که همانا ویراستاری پیش مصاحبه است.

۳. پرسش یابی

گام سوم در این مرحله، تنظیم پرسشهاست. هدف محوری و اصلی در مهندسی پرسش سازی، تکمیل اطلاعات ناقص است. در عین حال افزودن بر طراحي پرسشها، باید شرایطی جهت تولید پرسشهای متفاوت و احتمالی نیز فراهم گردد. به بیان دیگر، موضوعات مطرح در پرسشها، می تواند نشانه علایق

۴. سازوکارهای مصاحبه

اطمینان از مهیا بودن ابزار و وسایل کار را می‌توان به عنوان اندیشه پیشگیرانه از تولید اشکالات بعدی دانست. گو اینکه توجه به علایق مصاحبه شونده در تناسب مکانی و زمانی گفتگو، در همین راستا توصیه می‌شود. به بیان دیگر، منظور از توجه دادن به درستی وضعیت کار در نظر ویراستار اصلی یا همان مجری پروژه، دعوت همکاران برای پرهیز از به خطا بردن و یا در قالب حداقل ایجاد تردیدها در آلودگی محیطی کار یا همانا وضعیت و موقعیت زمان تشکیل جلسه است.

مرحله دوم: مصاحبه

این مرحله، مرحله حساسی است؛ چرا که گرانیگاه تولید اسناد شنیداری است. نگاه ویرایشی در این مرحله، توجه به اهداف تحقیق و همچنین ایجاد روابط صمیمانه برای همکاری مؤثر مصاحبه کننده (مورخ) و مصاحبه شونده (متن) است. انتخاب مواضع بسته یا باز جهت هدایت گفتگو، هر کدام می‌تواند در بردارنده عناصر مثبت یا منفی باشد.

در نظام بسته پرسش و پاسخ، تمام تلاش بر حفظ و ماندگاری چارچوبهای از پیش تعیین شده، به منظور نگرانی گفتگو به سمت و سوهای پیش‌بینی نشده است. این شیوه، اگر چه سرانجام می‌تواند به اهداف تعیین شده برای دستیابی به اطلاعات لازم و یا تضمین شده مؤثر باشد، اما در عین حال ممکن است متن را تنها برای قرائت ذائقه‌های خاصی آماده کند؛ یعنی نتیجه مصاحبه شاید یکبار مصرف و تنها مفید برای یک تحقیق باشد. از این روست که توصیه می‌شود در طراحی پرسشها، زمینه‌های زایش فکری مصاحبه شونده، در نمایش زوایای پنهان فراهم باشد. زوایایی که می‌تواند برای تحقیقات بیش‌تر و متنوع دیگران نیز مفید فایده باشد.

قدر مسلم، این است که پیش‌بینی سازوکارهای مصاحبه در این مرحله می‌تواند اسباب توفیق طرحها را ایجاد کند. اما از آنجا که تلاش برای ضبط در این مرحله باید آنچنان پیش‌بینی شده و شفاف باشد تا بتواند زمینه مرحله مهم بعدی را در استخراج فراهم کند، از این رو توصیه می‌شود که مصاحبه کننده ضمن ضبط برنامه، یادداشت هم بردارد تا رشته کلام گسسته نشود و بتواند پیوسته آماده طرح پرسشهای بعدی باشد. یادداشت برداری در حین مصاحبه، این مزیت را نیز دارد که در آینده و در مرحله تبدیل ضبط به ثبت، به عنوان متن، ایفاگر نقش مهمی در تبدیل ضبط به ثبت باشد. به بیان دیگر، این یادداشتها خود به عنوان متن تولید شده همزمان می‌تواند برای مقایسه در اختیار پیاده کننده نوار قرار گیرد. گو اینکه در این نوع یادداشت برداریها، مصاحبه کننده علاوه بر ثبت شفاهیات، می‌تواند به ثبت روحیات و رفتار مصاحبه شونده بپردازد. پاره‌ای حرکات از جمله حرکتهای چهره مانند: نگرانی، خشم و خجالت، معمولاً می‌تواند تکلیف جمله‌های شفاهی را بهتر روشن کند. از این رو، توصیه می‌شود که مصاحبه کننده همه آنها را بنویسد.

افزون بر این، آوانگاری و شخصیت صوتی مصاحبه شونده، نکته غامضی است که در بسیاری موارد بدون توجه به آنها از استخراج و تبدیل به ثبت، خواننده آینده را دچار سردرگمی می‌کند. بنابراین، می‌توان تصور کرد که جایگاه مصاحبه کننده برای تولید متن تا چه حد حساس است. از سوی دیگر، هدایت گفتگوها نوع نگرش ویرایشی است. از این جهت در برخی موارد، توصیه می‌شود که این هدایتگری نباید اسباب پارگی فکر و گسیختگی کلام مصاحبه شونده را فراهم کند. چرا که به نظر می‌رسد

حفظ روال مذاکره بدون برخوردهای تصنعی، می‌تواند خودبخود سمت و سوی مناسب را ایجاد کند. دغدغه مصاحبه‌کننده نباید موجب پراکندگی فکری مصاحبه‌شونده گردد. بنابراین، در این مرحله نگاه ویرایشی توصیه‌ای جز پرهیز از ایجاد فضای تصنعی ندارد. گو اینکه این ویرایش، در حقیقت می‌تواند ویرایش رفتاری لقب گیرد.^{۱۱}

مرحله سوم: استخراج

شاید بتوان گفت که ویراستاری عینی، بیش‌تر در مرحله استخراج صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، در این مرحله نگرش ویرایشی درون متنی است، ضمن آنکه نمی‌توان ویراستاری مراحل قبلی را کم‌اهمیت تلقی کرد؛ اما این مرحله استخراج است که نمایش استنتاجهای طرح تحقیقاتی یا مصاحبه را عینی می‌کند. در این مرحله، ابتدا چند توصیه جهت آغاز استخراج باید مدنظر باشد.

۱. معمولاً در فرایند استخراج باید در نظر داشت که ضبط صدا می‌باید روشن و قابل تمیز و یا دارای کم‌ترین صداهای اضافی باشد.

۲. همچنین باید پیشاپیش، نامها و واژه‌های فنی و اصطلاحاتی که در مصاحبه به کار برده می‌شود، در اختیار پیاده‌کنندگان نوارها قرار گیرد. این کار، در سهولت شنیدار و تمیز ابهامات بسیار مؤثر است.

۳. از آنجا که پیاده‌کنندگان نوارها به عنوان یکی از اولین حلقه‌های عملیاتی ویراستاری و کاربردی کردن طرح هستند، باید آگاهیهای لازم را از شمای کلی طرح و برخی جوانب پژوهش داشته باشند.

۴. باید به پیاده‌کنندگان نوار آموزش لازم را داد که در تبدیل ضبط به ثبت هیچگونه حدس و گمانی زده نشود و حتی الامکان نکات و نقاط مبهم با مصاحبه‌کننده در میان گذاشته شود که اگر نهایتاً نیاز بود، برای

رفع آنها از مصاحبه‌شونده نیز کمک گرفته شود.^{۱۲} با توجه به مسائل کلی بالا، بحث از زمانی آغاز می‌شود که چگونه مواد مصاحبه تبدیل به واژه‌ها و جمله‌ها و نیز به سینه صفحات کاغذ سپرده شود. در درجه نخست، این امر مسلم است که پیاده کردن همه نواها، آهنگها، بالا و پائین شدن صداهای دو جانبه از نوار - که هنگام مصاحبه، موجب مفهوم سازی می‌شوند - غیر ممکن است. همچنین نوشته‌های پیاده شده از نوارها همزمان ممکن است در باب برخی واژه‌های نامفهوم و نامأنوس دستخوش غلط نویسی شود. در عین حال مصاحبه‌شونده در پاره‌ای موارد ممکن است نامها و تاریخهای غلط و نشانه‌های بی‌مسمائی ارائه دهد. چنانکه معمولاً در حیطه شفاهیات، گویندگان جمله‌ها را کامل و با افعال و ادبیات مقبول ارائه نمی‌دهند. در این حال شنوندگان در حضور مستقیم گوینده می‌توانند حدسهای عمومی و کلی برای محتوای واژه‌های ارائه شده بزنند. اما در قالب پیاده سازی و نوشتن، این نوع جمله‌ها و واژه‌های پراکنده می‌تواند منشأ ابهامها و سردرگمی خواننده بشود.

برخی مورخان و زبان‌شناسان، هرگونه ویراستاری را به دلیل ایجاد نقصان در انتقال مفاهیم، خوشایند نمی‌دانند؛ در عین حال توصیه آنها در این زمینه این است که باید به گونه‌ای آهنگ و محتوای کلمه‌ها استخراج شود تا حتی الامکان به متن قابل اعتمادی دست یافت.^{۱۳} در این راستا، آنها بر این باورند که در حالی که اصوات و آهنگهای متفاوت برای جمله‌ها به طور روزمره قابل فهم است، چرا نتوان آنها را در قالب کلمه‌های نوشته شده آورد؟ بویژه زبان‌شناسان تلاش دارند که به نوعی متن در این زمینه دست یابند تا کلام به طور مطمئن انتقال یابد. در این زمینه،

ناگزیر باید به کمک مصاحبه کننده و یادداشتهای حین مصاحبه وی، ایماها و اشارات خنده‌ها و اخمها را در جای خود در داخل قلاب به متن افزود. این خود می‌تواند فحوا و جو حاکم بر جمله را تا حدودی به خواننده منتقل کند.

به هر روی به رغم مشکل ذکر شده، در اینجا می‌توان به برخی منافع ویراستاری و حد و حدود آن پرداخت. پس از مرحله پیاده کردن و ثبت، بدیهی‌ترین کار آن است که به چند مسئله اساسی زیر پرداخته شود:

۱. قسمتهائی که پیاده کننده نوار نتوانسته بفهمد یا ممکن است اشتباه کرده باشد، باید مورد توجه دو جانبه مصاحبه کننده و مصاحبه شونده قرار گیرد. نسخه استخراجی نوارها باید در معرض نظر مصاحبه شونده قرار گیرد. این کار، این حسن را می‌تواند داشته باشد که حتی در مواردی که به نظر وی معنا کامل نیست یا منظور وی آشکارا بیان نشده، مورد اصلاح قرار گیرد. همچنین او می‌تواند به نکاتی که بعداً به طور تکمیلی به نظرش رسیده، اشاره کند و متن را تکمیل سازد. چرا که وی بهترین فرد است که می‌تواند منظور خود را از گفته‌ها در قالب نوشته تصحیح کند و بگوید منظور او چه بوده است.

افزون بر این، مصاحبه شونده می‌تواند سهم مهمی در این قسمت به منظور تصحیح اشتباهات در باب نام کسان، جایها و یا حتی چگونگی تلفظ برخی واژه‌ها داشته باشد. می‌توان گفت، ممکن است یک واژه در کجای جمله می‌تواند بهتر مفهوم را برساند: در اول یا در آخر جمله. واژه‌هائی که در تلفظ همسانند ولی املائی آنها متفاوت است، در فرایند تصحیح قرار می‌گیرند مثل خان/خوان، خار/خوار، خواهر و غیره.

اما در باب ادبیات مصاحبه - که معمولاً تفاوت با ادبیات نوشتاری دارد - باید به مصاحبه شونده یادآور شد که در این زمینه، ایرادی نیست. چرا که به هر روی مصاحبه، متنی شفاهی است نه ادبی و نوشتاری با دستور زبان مقبول. چنانکه واژه‌ها و اصطلاحات ادبیات محاوره‌ای، برای بسیاری از خوانندگان جذاب است و نباید تغییر کند.

چیزی که در این مرحله باید توجه داشت، آن است که نباید متن را مورد تصحیح بسیار قرار داد، و به عبارت دیگر، مداخله زیاد در متن شفاهی، اصالت آن را مخدوش می‌کند. در همین زمینه، باید یادآور شد که بسیاری از تصحیح کردنیهای مصاحبه شونده در این مرحله می‌تواند از سر مجامله و اغماض، فرصت‌طلبی و یا ترس باشد. از این روست که جهت پرهیز از استحاله متن، چنین توجهاتی لازم است. در عین حال ممکن است مصاحبه شونده اصراری بر تغییرات بهتر داشته باشد. همه آن تغییرات و ملاحظات می‌باید در قلاب آورده شود تا در همه حال خواننده بتواند میزان تصحیحهای احتمالی را دریابد.

در این زمینه، شاید بتوان گفت که مصاحبه‌ها با اهل سیاست از غامض‌ترین نوع باشد. این گروه از افراد، پیوسته نیاز به ویراستاری متن خود می‌بینند. چرا که روزآمد کردن قضاوت‌های دیگران برای آنها دارای اهمیت است. از این رو سبویزه این همگرائی وجود دارد که متن مصاحبه با این گروه از مصاحبه شونده‌گان نباید خیلی در معرض باز بینی و ویراستارانه آنها قرار گیرد.^{۱۴}

به هر روی، ممکن است زمانی که مصاحبه شونده اوراق مطالب خود را مرور می‌کند، نکات ناگفته یا تکمیلی به نظرش برسد که در مجموع می‌تواند برای نهائی شدن مطلب مفید واقع شود. اما

نکته مسئله ساز اینجاست که ممکن است مصاحبه شونده به عقیده و باور دیگری، متفاوت از قبل و حتی زمان مصاحبه برسد. این، دیگر خارج از حیطه مطالب تکمیلی است، بلکه می‌تواند نظرگاه جدیدی باشد. در اینجا باید به مصاحبه شونده تذکر داد که مطلب باید در همان حیطه تکمیلی، جهت روشن‌تر ساختن مواد و مطالب مورد مصاحبه اضافه گردد.

در هر حال، نسخه پیاده شده ممکن است به اشکال مختلف و با حجم متفاوت ویرایش شود. اما باید نسخه اولیه به عنوان نسخه اصل همچنان حفظ گردد. این نکته نیز باید به اطلاع مصاحبه شونده برسد که هیچگونه افزودن و کاستنی شامل نسخه نخست نخواهد شد. در این حال در صورتی که مصاحبه شونده از ارائه مطالب خود پس از مصاحبه و استخراج نگران نباشد، حق خواهد داشت که درخواست زمان طولانی تری برای زمان انتشار مصاحبه بکند. نسخه ویراسته نیز می‌تواند جهت احتراز از انتشار همه متن، مورد توافق قرار گیرد. بدین صورت جزئی یا اجزای تکمیل شده و یا حتی متفاوت شده، می‌تواند در اختیار پژوهندگان قرار گیرد تا زمان انتشار همه آنها فرا برسد.

در اینجا بار دیگر به پرسش اصلی باز می‌گردیم و آن اینکه تا چه میزان ویراستاری متن مصاحبه می‌تواند پذیرفتنی باشد؟ پیاده کردن نوار مصاحبه، ویراستاری است و بیش‌تر منتشرات تاریخ شفاهی غالباً در این زمینه هستند. تلخیص، برجسته سازی نکات، در پاره ای موارد سازماندهی مطالب در شکل و قالبی دیگر به منظور آوردن شاهد وقایع و اهداف روایی از جمله اشکال ویراستاری تاریخ شفاهی است. علاوه بر این، سایر مورخان شفاهی نیز همواره تردیدهای خود را در باب مستندات کتابهایی که تحت

عنوان تاریخ شفاهی منتشر می‌شود، ابراز داشته‌اند. برای نمونه در بسیاری از این دست تألیفات، دیده می‌شود که پرسشها حذف شده و مواد در ترتیبی متفاوت از نهان مصاحبه شونده آورده شده است،^{۱۵} یا همچنین واژه‌ها و جمله‌های مصاحبه شونده، می‌تواند درنظمی دیگر حاوی مفاهیمی غیر از منظور نظر مصاحبه شونده بوده باشد. در این زمینه باید گفت، این نوع کارها به عنوان برداشت و قرائت مجدد مصاحبه شونده است. بنابراین نمی‌تواند به عنوان مرجع به حساب بیاید. تحمیلاتی از این دست به متن اصلی و بر هم زدن چارچوب مصاحبه، خلق متفاوت و مجدد است که می‌تواند یکسره از دایره نظر مؤلف (مصاحبه شونده) خارج باشد.

در عین حال، بازنویسی و ویراستاری مصاحبه به منظور حذف زواید و بیراهه‌های سخن شفاهی برای روشن نمایی متن، تا آنجا مجاز است و می‌تواند ادامه داشته باشد که به معنی و مفهوم اصلی جمله‌ها و مقصود گوینده ضرر نرساند. در واقع، منظور آن است که تمرکز نوشته، بدون ضربه زدن به منظور گوینده، کوتاه یا تصحیح شود. برای مثال، چنانچه مصاحبه شونده درباره واقعه یا پدیده‌ای در یک جمله دو نظرگاه مثبت و منفی ارائه کرده باشد، نباید تنها به یکی از آن موارد بسنده و بقیه را حذف کرد.

آسیب‌شناسی ویراستاری

معمولاً سه دسته خطا در دایره ویراستاری تاریخ شفاهی پیش‌بینی می‌شود که مربوط به همه مراحل مصاحبه می‌شود:

الف- دسته اول اشکالات موجود بر سر راه ویراستاری، در هسته سخت هر پروژه نهفته است. بسیاری از عناوین تحقیق، خود به خود ممکن است روند تاریخ را به سمت سوئی بکشاند که هر چند

ویراستار بخواید اصلاحاتی اعمال کند، سرانجام متنی منطقی تولید نخواهد شد. از این رو چهار شکل زیر درباب روند تحقیقات دیده می‌شود که نباید از دید ویراستار یا ناقد پنهان بماند. چرا که فهم آنها نمایشی از چگونگی حرکت در مراحل مختلف تحقیق تا به فرجام رسیدن است:

۱. از مصاحبه شونده خواسته می‌شود که چگونه جواب بدهد؛
۲. از مصاحبه شونده خواسته می‌شود که چیزهایی را بیان کند؛
۳. از مصاحبه شونده خواسته می‌شود که آزادانه طرح خاطره کند؛
۴. مصاحبه شونده با همکاری و همفکری مصاحبه کننده، به یادآوری قسمت‌هایی از گذشته می‌پردازد.

بی شک سه مورد اول دربردارنده نتایجی خواهد بود؛ اما همه یا قسمت‌هایی از آنها می‌تواند سرنوشت تحقیق را جانبدارانه کند. به هر روی، معمولاً نوع چهارم می‌باید بر تمامی روند تحقیق حکمفرما باشد تا نتیجه تحقیق یا مصاحبه به عنوان مستندات ماندگار باقی بماند.

ب- دسته دوم اشکالات، می‌تواند مربوط به نوع بهره‌گیری از مصاحبه باشد. معمولاً مواد مصاحبه در قالب سه نوع اساسی زیر، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد:

۱. روایت منفرد از واقعه‌ای خاص (نقل)؛
- در این نوع، منظور مصاحبه آن است که جهت بازسازی واقعه یا جریانی خاص براساس خاطرات فردی گفتگو صورت می‌گیرد. در نتیجه، چنین گفتگویی منظور اصلی یادآوری زمانی، مکانی از منظر انفرادی است که واقعه یا جریان را بازنمایی می‌کند.
۲. روایت ترکیبی از واقعه‌ای خاص (شرح)؛
- در این نوع، معمولاً چندین نفر مورد مصاحبه

قرار می‌گیرند و نتایج اطلاعات به دست آمده، در ترکیب با هم به بازسازی واقعه یا جریانی در زمان گذشته می‌انجامد. در این صورت روایت، ترکیبی و تکمیلی است.

۳. روایت ترکیبی برای بازسازی واقعه‌ای خاص (تحلیل)؛

در این نوع روایت - که معمولاً چند نفر درباب موضوعی خاص مورد مصاحبه قرار می‌گیرند - افزون بر ارائه هم سوئیاها، تلاش برای نمایش اختلاف نظرات و افتراقها در زمینه واقعه‌ای خاص نیز هست. آنچه را در زمینه آسیب شناسی در این مرحله باید مد نظر داشت، آن است که ابتدا باید مطالب ضبط و بعداً ثبت شده، مورد ارزیابی درونی قرار گیرد؛ یعنی چگونگی صحت مطالب بازگفته، وضعیت داستان سرائی و برخی تصمیمها در باب واقعه مورد گفتگو، سنجشوار با اسناد مکتوب ارزیابی شود. در این زمینه، معمولاً لغزشهای زیر بسیار رایج است:

۱. تفاوت منظر عمومی از منظر شخصی؛
- در این زمینه، می‌توان گفت که در بسیاری از مصاحبه‌ها دیدگاههای افراد به عنوان منظر عمومی واقعه تلقی می‌شود؛ در حالی که آشکارا تاریخ عبارت است از تلقی منظر عمومی درباب واقعه‌ای خاص. از این روست که ویراستار، مصاحبه کننده و مصاحبه شونده، باید مدنظر داشته باشند که «بسط منظر شخص به منظر عمومی»، نوعی اهمال کاری در تاریخنگاری و در نتیجه، ایجاد زمینه‌های تردید و غلط انگاری در تاریخنگاری است. بنابراین، قدر متیقن آن است که ویراستار در این زمینه پیوسته باید در خاطر داشته باشد که چه چیزی را به کجا و چرا می‌خواهد نسبت بدهد؟

۲. زمان و ترتیبات وقایع؛

این، خیلی معمول است که مصاحبه شونده با تکیه بر حافظه خود بخواهد زمانهائی را به یاد آورد و در حین آن اشتباهاتی نیز مرتکب شود. بنابراین، ویراستار باید تمامی زمانهای مورد مصاحبه را با اسناد، مکتوب مقایسه کند تا در صورت مشاهده اختلاف، آنها را در پانویس یادآور شود.

۳. مکان در رخدادهای مشابه؛

مسئله مکانی یا ظرف وقایع نیز مانند زمان ممکن است درست به خاطر نیاید و یا حتی ممکن است وقایع مشابه، باعث بروز برخی اختلافات شود. بنابراین کنترل مکان وقایع و یافتن رخدادهای احتمالی مشابه در یک مکان ولی در زمانهای متفاوت، از جمله کارهای ویراستار است.

۴. تشابه واژه‌ها در تلفظ و اغلاط آن و نامها؛

در پاره ای موارد بویژه در زمینه نام افراد و مکانها، ممکن است حتی جغرافیای واقع را دستخوش دگرگونی سازد. در این زمینه، پس از پیاده کردن نوار، باید با مصاحبه شونده مذاکره شود.

ج - بسیاری از کتابهای مشهور تاریخ شفاهی - که نویسندگان حرفه ای تهیه و تنظیم کرده‌اند - از کمبود تجربه تحقیقات تاریخی ایشان نشان دارد؛ چنانکه در تنظیمهای تاریخی و مستندسازی دچار خطا و اشکال شده‌اند. افزون بر این، به دلیل ناآشنائی با ساز و کارهای تاریخ شفاهی، از حیطة تاریخنگاری شفاهی خارج و به نوعی داستانی رسیده‌اند. در برخی موارد می‌توان تصور کرد که بسیاری از این دست فرآورده‌ها، در واقع نوعی بیان مهیج و غیر مستند از گذشته است.^{۱۶} دیگر اینکه، نگاه عمده این گروه از نویسندگان به گذشته، نگاه از انتهاست. یعنی

در صورتی که مصاحبه ای بوده باشد، گفتگو در فضائی شکل گرفته که خود وقوف براندیشه تاریخی داشته و این اندیشه تاریخی در بنای مصاحبه، موجب بروز حب و بغضهای نهان و آشکار گردیده است. چنین متنهایی، بی شک خارج از دایره توانمندی هر ویراستار تواناست. در خاتمه، نهایتاً باید افزود که از اهداف مهم ویراستاری، مفهومی سازی و روانی مطالب برای خوانندگان متن، اعم از اسنادی یا تاریخی است. در این راستا، یکی از ساز و کارهای مهم، پیش بینی واژه نامه لازم برای آشنائی بهتر و سریع تر خوانندگان با متن و فضای حاکم بر آن است. کسان، جایها و برخی اصطلاحات، معمولاً نیاز به معرفی و شرح مختصر دارند. از سوی دیگر مشخصات مصاحبه کننده، مصاحبه شونده، زمان مصاحبه، مدت و تعداد جلسها نیز، از اطلاعات حاشیه‌ای اما لازم برای خوانندگان آینده است.^{۱۷}

کلام آخر

پاسخیابی برای پرسشهای زیر می‌تواند چشم اندازه‌های آینده ویراستاری را در تاریخ شفاهی بالنده سازد:

۱. چه کسی می‌تواند ویراستار مناسبی برای تاریخ شفاهی باشد؟
۲. آیا مصاحبه کننده و مصاحبه شونده، می‌توانند ویراستاری متن را به عهده بگیرند؟ کسان دیگر در این زمینه می‌توانند فعال باشند؟
۳. آیا مصاحبه شونده، باید مطالب ثبت شده را بازخوانی کند؟
۴. ویراستاری متن پیاده شده، تا چه میزان در تغییر اهداف پروژه می‌تواند مؤثر باشد؟
۵. ثبت علائم، آواها و حرکات و زبان اشاره‌ای هر دو طرف گفتگو در هنگام مصاحبه، تا چه میزان در ابهام زدائی متن مؤثر است؟

7 . Ritchie *Op.cit.*, pp. 64-65.

8 . *Ibid.*

9 . *Ibid.*, pp. 77-78.

۱۰ . برای آگاهی بیش‌تر، ر.ک: «غلامرضا آذری خاکستر،

مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران»، *تاریخ پژوهی*،

سال هفتم، شماره ۲۲ و ۲۳، (۱۳۸۴)، صص ۱۴۴-۱۵۸.

11 . Ritchie, *op. , cit.*, pp. 106-107.

۱۲ . برای آگاهی بیش‌تر، ر.ک: ابوالفضل حسن آبادی،

تاریخ شفاهی ایران (مشهد: آستان قدس رضوی،

۱۳۸۵)، صص ۴۴-۴۷.

13 . D. Crystal, *The Cambridge Encyclopedia of the English language* (New York: 1985), pp. 214-215.

14 . Brivati, *op.cit.*, pp 353-355.

۱۵ . برای نمونه، ر.ک: منصور، پروین. *تاریخ شفاهی*

کانون نشر حقایق اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، ۱۳۸۴.

۱۶ . ترور لومیس، «تاریخ شفاهی»، ترجمه کامران عاروان،

نامه تاریخ پژوهان، سال دوم، شماره ۶ (۱۳۸۵)،

ص ۸۳

17 . Ritchie, *op.cit.*, p. 74.

۶. ویراستاری در همه مراحل، تا چه میزان می‌تواند

از تولید متن جانبدارانه پیشگیری و محصول را جهت

بهره‌گیری گروه‌های متفاوت محققان فراهم کند؟

۷. آیا نتایج مصاحبه می‌تواند تاریخ مصرف

معینی داشته باشد؟

۸. هماهنگی در ویرایش درون متنی و برون متنی،

تا چه حد می‌تواند در راستا نمائی گذشته مؤثر باشد؟

۹. آیا می‌توان حد و حدودی برای ویرایش در

نظر گرفت (جغرافیای ویراستاری)؟

۱۰. عبارت «متن تاریخ شفاهی، خود ویراسته به

دنیا می‌آید»، حاوی چه مفاهیمی است؟

پی‌نوشتها :

1. D. A. Ritchie, *Doing oral history* (Oxford: Oxford University Press, 2003), pp. 222-230.

2. B. Brivati and others (ed.), *Contemporary history handbook* (Manchester: Manchester university Press, 1996), pp. 345-346.

3. L. Jordanova, *History in practice* (London: Arnold, 2000) pp. 59-61.

4. J. Gardiner (ed.), *What is history today?*, (London: Macmillan, 1988), p. 10.

5. Generic name.

6. K. Howarth, *Oral history* (UK: 1999) p.10.